

■ برخی ایده‌های مردمی‌سازی جمهوری اسلامی را که توسط معماران انقلاب مطرح شده، در مفهوم شبکه صورت‌بندی می‌کنند که به نظر می‌رسد این موضوع به همین سادگی قابل این‌همانی نیست. در ایده مردمی‌سازی روابط بر اساس تعادل منافع شکل نمی‌گیرد و روابط مردمی‌مان عمدتاً بر پایه عشق شکل می‌گیرد نه اعتماد. این روابط بر پایه محبت و ایثار شکل می‌گیرد، لذا ما نوع چهارمی از روابط داریم که ماهیت بسیاری از رفتارهایی بوده که در انقلاب به کمک حضور مردمی رقم خورده است

یکی از مسائلی که به لحاظ تاریخی برای ما مشکل گرفته و ما - پیش از مواجهه با مساله‌ها در دولت‌ها - با آن مواجه هستیم، مساله‌ای است که ناشی از ظرفیت و

امکان و قدرتی است که الگوی اداره جامعه برای حل مساله‌های ما می‌دهد. به هر شکل ایده‌هایی برای حل مساله وجود دارد اما این ایده‌ها غل و زنجیرهایی دارد که

به این راحتی از آن عبور نخواهیم کرد. قبل از بیان مدل صورت‌بندی و دستگاه نظام کارشناسی، شاید ابتدا باید به این مساله پرداخت که ما میراث‌دار چه الگویی برای

گزارش «وطن امروز» از الگوی سیاست‌ورزی شهید رئیسی به مناسبت چهلمین روز شهادتش

الگوی نظم مردمی

مدل هرمی

مهم‌ترین مدل سازماندهی دولت در وضع کنونی یک مدل هرمی است. مدل هرمی یا سلسله‌مراتبی، قدرت متمرکزی در رأس خود دارد و بعد با اعمال اقتدار در لایه‌های پایین، مسیر جریان اراده را با اعمال قدرت سخت جلو می‌برد. طبیعتاً این مدل ساختار هم پیدا کرده و تبدیل به ادارات و دوایر شده است. ما درباره رأس این هرم قدرت، در دوره‌ای هستیم که می‌خواهیم درباره آن طی انتخابات ریاست‌جمهوری تصمیم‌گیری کنیم.

سوال این است:این مدل سازماندهی که در مقابلش سازماندهی‌های خودتنظیم‌شونده هستند، چقدر ظرفیت دارد و اگر این ظرفیت محدود است چه کارکنیم این ظرفیت افزایش یابد و ایده دولت شهید رئیسی برای حل کارآمدی دولت در این مدل چه بود؟

باید گفت این مدل سازماندهی یک ضرورت تاریخی است و ما نمی‌توانیم آن را کنار بگذاریم. نکته دوم این است که آن مدل فوایدی جدی دارد که مهم‌ترین آن ثبات سراسری و نظم فراگیر است. نهاد متمرکز قدرت، تنها جایی است که قدرت مشروع را اعمال می‌کند و به نظر نمی‌رسد بتوانیم چنین چیزی را به‌راحتی کنار بگذاریم.

اما آسیب‌های این مدل هرمی چیست؟ اگر

برای انجام کارها سازمان هرمی درست

کردیم، یکی از دم‌دستی‌ترین آسیب‌ها،

گران بودن این مدل به لحاظ اقتصادی

است. این گران‌ترین مدلی است که ما،

همچنین بقیه دنیا آن را انجام می‌دهند.

که واقع در این مدل وضع اینگونه است

که شما می‌خواهید مساله‌ای را حل

کنید، برای این کار کارمندی را استخدام

می‌کنید و زمان آنها را می‌خرید و بر اساس بخشنامه از آنها کار می‌خواهید. ساعت کار مفید کم، پهره‌وری پایین و... باعث می‌شود مساله خود را به گران‌ترین شکل ممکن حل کنیم. احتمالاً بخش خصوصی این کار را خیلی ارزان‌تر و راحت‌تر انجام خواهد داد. بنا این وصف منبع اقتصادی این مدل یا از طریق مالیات باید از خود مردم گرفته شود، یا از محل فروش منابع طبیعی کشورها و... تامین شود

از لحاظ فرهنگی هم این مدل تقسیم‌کار ایجاب می‌کند ما عده‌ای را اجیر کنیم. در فرهنگ ما اجیر کردن سویه مثبتی ندارد. در این مدل، رفتاری که ما به عنوان رفتار کارمندی می‌شناسیم تشدید می‌شود و افراد کم‌کم از خودشان تحرکی نشان نمی‌دهند و تابع دستورات و بخشنامه‌ها هستند و ظرفیت انسانی خود را در حداقلی‌ترین شکل ممکن در خدمت قرار می‌دهند. این مدل به لحاظ فرهنگی کج‌کارکردی‌هایی دارد که آدم‌ها را طلبکار می‌کند و کارمند با مسؤولیت‌پذیری‌های کم و... یار می‌آورد.

مدل سازمان هرمی چالش دیگری دارد که بُرد اعمال اقتدار شما در آن پایین است. فرض کنید در رأس هرم تصمیمی گرفته می‌شود، مثل آبیاری‌های قدیم که در یک فرصت محدود، آب در اختیار شما قرار می‌گیرد و بعد قطع می‌شود. اگر کسی این آب را از ابتدا تا انتها دنبال نکند، احتمالاً این آب به پای درخت نمی‌رسد و در مسیر دچار مشکل می‌شود. در مدل هرمی هم جریان اراده از بالا به بقیه پمپاژ می‌شود و بقیه منتظرند این موضوع رخ دهد. اصطلاحاً برد دستورات small guidance است، یعنی دستورات تا پشت در اتاق بیشتر جلو نمی‌رود. طبیعتاً این مدل اگر بخواهد مساله حل کند با موانع بسیاری در این مسیر سلسله‌مراتب دستور به‌ته‌خط مواجه می‌شود.

یکی دیگر از آسیب‌های این مدل این است که چون محرک افراد برای پیگیری مساله، قانون است، افراد انگیزه زیادی برای دور زدن قانون دارند، یا انگیزه آنها در قالب تخلفات قانونی خود را نشان می‌دهد. چون در این مدل قانون است که حل منازعه می‌کند و شما قرار است همواره به قانون ارجاع دهید، لذا افراد هم راه‌های فرار قانونی را یاد می‌گیرند. دوم اینکه دور زدن قانون از طریق گزارش‌های نامناسب و امثالهم دنبال می‌شود و فرهنگ گزارش دادن و گزارش گرفتن چالش جدی‌این‌سازمان‌است.

برآیند اینها این است که در رأس قدرت تصمیمی گرفته می‌شود و ته خط معلوم نیست این تصمیم اعمال می‌شود یا خیر! نمی‌دانیم گزارش خطاست یا درست است، یا نمی‌دانیم خلاف قانونی رخ داده یا نه. در این مدل افراد خودشان انگیزه نداشته‌اند و خودبرآگیخته نبوده‌اند که موج تا آخر حرکت کند. این مدل سازماندهی که همه دولت‌های دنیا با آن مواجه هستند انباشت مساله‌های حل‌نشده را برای دولت‌ها درست کرده است. دولت‌ها در همه جای دنیا با این موضوع مواجه هستند که مردم از طرفی توقع دارند دولت خدمات بیشتری به آنها بدهد و از طرفی دولت‌ها توان حل مساله را ندارند.

در تکمیل گفته‌های حجت‌الاسلام ساجدیان باید گفت ۳ نظم کلی تا به حال صورت‌بندی شده است. یکی صورت‌بندی هرمی است که ابتدای گزارش‌دربره آن نوشتیم. این مدل رأس قدرتی دارد که بیشترین مسؤولیت و بیشترین آزادی را در اعمال اقتدار دارد و هرچه به پایین قاعده هرم نزدیک می‌شویم، افراد مسؤولیت کمتر و آزادی در اعمال اقتدار کمتری دارند. در این نظم شما کارها را به یکسری کار تخصصی تقسیم می‌کنید و هرکسی در یک لایه‌ای از این هرم بخشی از این کار را بر عهده می‌گیرد. فرهنگ حاکم بر آن یک جور سازماندهی فرمانبری است. یعنی تا دستوری نباشد شما نباید کاری کنید. اگر اختلافی هم پیش بیاید با قانون رفع خصومت رخ می‌دهد و اینگونه سیستم را به تعادل می‌رسانیم. افراد در این سیستم رابطه بالا به پایین را تجربه می‌کنند و عمدتاً اجیر سیستم می‌شوند و رابطه، رابطه به‌استخدام است. در کنار این مدل از سازماندهی از الگوهای دیگری به اسم الگوهای خود تنظیم‌شونده از جمله مکانیسم بازار می‌توان یاد کرد. بازار هم جایی است که سازماندهی

اداره جامعه هستیم؟ و ماهیت سازماندهی آن چیست؟ در گزارش پیش رو با بررسی مدل‌های سازماندهی، بر این امر تاکید خواهیم داشت که در شرایط کنونی

چه مدلی برای اداره جامعه راهگشا خواهد بود و مدل عمل شهید رئیسی به کدام‌یک از این سیستم‌ها قرابت و نزدیکی داشته است.

چگونه باید معضلات مدل هرمی را حل کرد؟

نکته این است که فرصت خدمت آقای رئیسی، در سازمان بازرسی، همچنین فرصت ایشان در قوه قضائیه امکان دور زدن قانون را به حداقل رسانده است. یعنی در واقع از ایشان شخصیتی ساخت که بازی نمی‌خورد.

آنچه مهم‌تر است ۲ ویژگی است که در مرحوم رئیسی مشهود بود که این دو، فناوری‌ای است که هرم را می‌توانیم از چالش‌هایش دور کنیم. آن فناوری چیست؟ یک نکته بحث تحرک بالا و مجاهدت مرحوم رئیسی است؛ مجاهدتی که نیروی قدرتش از جای دیگری تزیق می‌شود. رئیس‌جمهور بر اساس قانون اساسی سوگند یاد می‌کند خودش را وقف خدمت قرار دهد. اینجا انسان وقف معنا پیدا می‌کند. انسان ترازوی که تمام لحظات و فرصت خود را صرف جنگیدن می‌کند تا به شهادت می‌رسد. یعنی اقتدر برای این کار تلاش می‌کند تا این سیستم لخت و سنگینی که به این راحتی به تحرک وادار نمی‌شود، با تحرک فراوان خود راس هرم به حرکت می‌آفتد. مجاهدت تا پای جان، مفهومی است که با نظریات منفعت‌طلبانه و امثال اینها جور در نمی‌آید و کاملاً برخاسته از مدل انقلاب اسلامی و مجاهدتی است در جهت آخرت. از طرفی مجاهدت حرکت قدرت از بالا ایجاد می‌کند و الهام‌بخش برای نیروهاست. از پایین خط هم ارتباط با بدنه مردمی و صمیمیت و رفتار مردمی شکل گرفته است. این دوگانه باعث می‌شود در بیشتر مواقع خود رئیس‌جمهور درک کاملی پیدا کند که آنچه در رأس قدرت گذشته در پایین هم تجربه می‌شود یا نه. به نظر می‌آید دوگانه صمیمیت و مجاهدت، فناوری ماست تا مشکل هرم را در درون هرم حل کنیم. در واقع آن روح ایده اسلامی است.

اما فقط کارآمد کردن هرم قدرت، مساله را حل نمی‌کند. نیروی دیگری غیر از بازار و فناوری باید به‌کارگیری شود؛ نیروی سوم که مردم باشند. این مردم شبکه‌های بخش خصوصی و شبکه‌های مدل‌های حکمرانی نیستند، بلکه آحاد مردم هستند. ما نیازمند بلوغ این قضیه هستیم تا بتوانیم مدل حکمرانی خومان را به بهترین شکل به نتیجه برسانیم.»

۳ نظمی که قابل صورت‌بندی است

الزاما عرضی نیست و رابطه طولی هم ممکن است شکل بگیرد. در هرم اگر افراد وابستگی کامل به سیستم داشتند و در بازار اگر افراد مستقل بودند، افراد در شبکه‌ها نسبت به آن نظم سازماندهی، به طور توأمان مستقل و وابسته هستند. یعنی از طرفی مستقل و از طرفی وابستگی دارند. با این مدل از سازماندهی که اخیراً مورد توجه بیشتری قرار گرفته می‌توان کارهای بیشتری انجام داد. در این دوره‌های متاخر، برخی کشورها مدل حکمرانی شبکه‌ای را مورد استفاده قرار داده‌اند.

با این ۳ مدل سازماندهی، ۳ جور حکمرانی هم قابل تصور است: حکمرانی هرمی، حکمرانی بازار و حکمرانی شبکه‌ای. ایده محوری حکمرانی شبکه‌ای این است که از سازماندهی‌های هرمی به سمت سازماندهی شبکه‌ای کوچ کنیم اما خیلی زود مشخص شد ما ۳ الگوی سازماندهی را با هم نیاز داریم. ما در موقعیت‌هایی حتماً باید هرمی عمل کنیم. در موقعیت‌هایی حتماً با مدل بازار و در جاهایی هم شبکه می‌تواند نقش ایفا کند و رخنه‌پوش جاهایی باشد که بازار و هرم نتوانسته‌اند مسائل را پوشش دهند.

ادبیات دیگری که در در این بین شکل گرفته مساله فراحکمرانی است. در فراحکمرانی نکته کلیدی و اصلی این است که نقطه تعادل بین هرم، بازار و شبکه چیست؟ نقطه تعادل بین بروکراسی هرمی، مکانیزم‌های بازار و فناوری‌های شبکه‌ای چیست و هر سه را چگونه می‌توان هماهنگ کرد؟ با توجه به اینکه شبکه‌ها و بازارها سیستم‌های خودسازمان‌دهنده هستند و از هرم دستور نمی‌گیرد، این هماهنگی را چگونه باید سامان داد؟ در واقع سوال محوری ادبیات فراحکمرانی این است که نسبت این ۳ چیست؟

و اعمال اقتدار در آن اتفاق می‌افتد و با آن کار انجام می‌شود اما قواعد هرم بر آن حاکم نیست. سازماندهی بازاری سازماندهی‌ای است که در آن ابزار اعمال اقتدار، قیمت است و شما با بالا و پایین کردن قیمت، می‌توانید اعمال اقتدار کنید. در این سیستم کسی بر دیگری برتری ندارد و با هم رابطه عرضی دارند. نقطه تعادل هم در همان قیمت اتفاق می‌افتد. اگر اختلافی رخ دهد، با چانه‌زنی است که می‌توانید به تعادل برسید. در سازماندهی هرمی، قانون بود که می‌توانست رفع خصومت کند اما اینجبا با قیمت و با چانه‌زنی بر سر قیمت می‌توانید به نقطه تعادل برسید و رفع خصومت کنید. فرهنگ حاکم بر آن هم برخلاف هرم که یک فرهنگ فرمانبری بود، یک فرهنگ رقیابت است. در این مدل از سازماندهی هم بخش زیادی از کارها را می‌توان انجام داد و افراد انگیزه دارند و می‌توانند بخش زیادی از کارها را سازماندهی کنند و برعهده بگیرند. یعنی می‌توان از مدل بازار در انجام بسیاری امور اجتماعی استفاده کرد کما اینکه در جاهای مختلف اتفاق افتاده و انجام شده است.

اما مدل سوم شبکه است. شبکه‌ها روی تبادل منافع استوار هستند نه بر رقابت بین خریدار و فروشنده. تبادل منافع بر پایه نوعی همکاری است که افراد ظرفیت خود را به اشتراک می‌گذارند. فرض شبکه این است که شما همه چیز را نمی‌توانید تحصیل کنید، شما مزیت‌هایی خواهید داشت و این مزیت‌ها را عرضه و از مزیت‌های دیگران استفاده می‌کنید. آنچه عامل ایجاد اقتدار است همین تبادل منافع است و ابزار اصلی در اینجا دیپلماسی و گفت‌وگو است که شبکه‌ساز است. افراد در روابط اجتماعی خود خلق شبکه انجام می‌دهند. ابزار حل خصومت هم گفت‌وگو است. در شبکه، رابطه

مردمی‌سازی و هماهنگی میان ۳ مدل هرم، بازار و شبکه

بازار هم تجربه خوبی داشتند. آنچه به عنوان مردمی‌سازی یا تعاملات مردمی از ایشان می‌دیدیم تا حد زیادی می‌تواند شباهت‌های زیادی به ادبیات حکمرانی شبکه‌ای پیدا کند.

شبکه‌ها اعمال اقتدار را از پایین به بالا را رقم می‌زنند. در بسیاری از مواقع شبکه‌ها در لایه مصرف‌کننده‌ها شکل می‌گیرد. یعنی افراد درباره یک کالا کار ترویجی انجام می‌دهند یا آن را نقد و رد می‌کنند. در لایه‌های دیگر هم رفتار شبکه‌ای قابل تصور است و اصناف در درون خودشان رفتار شبکه‌ای دارند. شبکه در درون هرم‌ها هم قابل تصور است. رفتاری که برخی وزارتخانه‌ها با هم دارند رفتاری است که بر پایه گفت‌وگو و اشتراک گذاشتن ظرفیت‌هاست. بنیان روابط شبکه‌ای مفهوم trust و اعتماد است. تا جایی که اینها می‌توانند با گفت‌وگو خلق اعتماد کنند، می‌توانند با هم کار کنند و مادامی که اعتماد از بین برود کل این توافقات از هم می‌پاشد و شبکه از بین می‌رود. مهم‌ترین لازمه شبکه این است که در یک شفافیت و نسبتی با همدیگر اعتماد خود را حفظ کنند. زرنگ‌بازی‌ها و در نظر نگرفتن طرف مقابل و رابطه برد - برد در شبکه خیلی مهم است و توجه نکردن به این قضیه شبکه را از ماهیت تهی می‌کند و شبکه‌ک زمین می‌خورد. ما در شبکه‌ها کمتر رفتار پایدار تاریخی داریم و این خودش یک فناوری تکمیلی می‌خواهد که بتواند خود را پایدار کند.

حجت‌الاسلام ساجدیان در پاسخ به این پرسش که چگونه می‌توان میان مدل هرم، بازار و شبکه هماهنگی ایجاد کرد و مدل مطلوب ما در انقلاب اسلامی چیست؟ به «وطن امروز» می‌گوید:

«می‌توانیم با تحمیل قواعد حکمرانی شبکه‌ای یا قواعد حکمرانی بازاری بر حکمرانی هرمی، به هرم کارآمدی بدهیم و هرکدام از اینها ماهیت نظم متفاوتی دارند. در ایده مدیریت دولتی نوین، ایده این‌س بود که مکانیسم‌های بازاری را به فرآیندهای دولتی تزیق کنیم و این امر عملاً جواب ن داده در شکل افراطی نتیجه این ایده این شد که هرم‌ها را کنار بگذاریم و به بازار بچسبیم که اصلاً جواب نداد. دوم اینکه قواعد بازار را بر هرم حاکم کنیم که تا حد زیادی جواب نداد و روشن هم هست که این ۲ اصلاً ۲ سبک متفاوت از سازماندهی هستند.

بحث این است که هرم را در درون هرم چگونه می‌توان کارآمد کرد؟ بحث این است که هرم منطقی چیست و چگونه می‌توان آن را کارآمد کرد؟ به نظم مرحوم آقای رئیسی توانستند این کار را انجام دهند. این به این معنا نیست که ایشان به بازار و مکانیسم‌های بازار و به شبکه‌ها کاری نداشتند، بلکه اتفاقاً در روابط با



شنبه ۹ تیر ۱۴۰۳

وطن امروز | شماره ۴۰۷۲

سیاسی